

اهمیت جهاد درونی و جهاد با نفس به حدیث معروفی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) باز میگردد، «پیامبر عظیم الشان اسلام که معلم بشر از اولین و آخرین بود و ملائکه از حکمت او استفاده می کردند و دل مبارک او برترین جایگاه وحی الهی بود، به جوانان زمان خود که از جنگ برگشته بودند، فرمود: مَرَجَا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَ بَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؛ (۴) جهاد کوچک تر را گذراندید، حال نوبت جهاد بزرگتر است.» (۵) «عجب! یا رسول الله! جهاد بزرگتر چیست؟ ما این جهاد با این عظمت و با این زحمت را انجام دادیم؛ مگر بزرگتر از این هم جهادی وجود دارد؟ فرمود بله، جهاد با نفس خودتان.»

پیش نیازهای ایران قوی

جوان: مهم ترین ارکان و شاخص های رسیدن به ایران قوی را اینگونه برشمرد: ۱- «اقتصاد- سلاح»: اقتصاد مولد و کارآمد به همراه سلاح بازدارنده و تفوق یاب از مهم ترین ارکان قدرت هستند. قدرت بازدارندگی و عدم وابستگی اقتصادی، پیش نیازهای استقلال سیاسی، قدرت ملی و تنظیم دشمنان است که اگر هر دو باهم نباشند، نتیجه تمام کننده نخواهد داشت. ۲- ایمان به تحقق وعده های الهی و مجهز بودن به این سلاح - که تاکنون ما را به نقطه فعلی رسانده است - از عناصر بومی قدرت ملت ایران است. عنصر معنویت، جهاد، شهادت، عبور از منافع فردی و فدا شدن برای ملت و جامعه و ایران و در یک کلمه پیشقراولانی از جنس آیت الله خامنه ای و شهید سلیمانی می تواند این بعد قدرت را تقویت نماید. دولت ارزش گرا در تحقق و گسترش این قدرت می تواند بسیار مؤثر باشد. ۳- پیوستگی با امت اسلامی از دیگر ارکان قدرت ملت ایران است. ایران جزیره نیست. ایران امروز بخشی از ملت اسلامی است که دغدغه پاک کردن آلودگی های جهان اسلام از سلطه استعمار غرب و صهیونیسم را دارد. دست ایران باید همیشه در دست امت اسلامی باشد تا «جغرافیای قدرت» در شعاع و افق وسیع تر و بلندتری درک شود. حضرت امام بر تولید چنین قدرتی تأکید داشتند و آن را «آزادسازی انرژی مترکام جهان اسلام» می دانستند. ۴- وحدت ملی و رضایت نسبی: وحدت ملی در عین رضایت نسبی از کارآمدی ارکان مختلف حاکمیت در این باره مهم است. استحکام درونی جمهوری اسلامی در این گزاره متمرکز است. توجه ویژه به طبقات پایین اقتصادی و حرکت به سمت اقتصاد مولد شرط رضایت عمومی است. قوی شدن و ایستادن مقابل زر و زور و تزویر در جهان بدون این ملت هرگز امکان پذیر نیست و این واقعیت بارها از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی و امام راحل تأکید شده است؛ ۵- صدرنشینی نخبگان: قدرت بومی و ملی منهای میدان داری نخبگان بی معنا است. اقتصاد مولد، تکنولوژی برتر اقتصادی و نظامی از علم به دست می آید و صدرنشینی نخبگان شرط رسیدن به این مهم است. تأمین شخصیت و زندگی نخبگان و کاهش بروکراسی آزمون و خطا شرط این مهم است که به صورت طبیعی از خروج نخبگان هم جلوگیری می کند. شناسایی، هویت بخشی و تکریم نخبگان جامعه پیش نیاز قوی شدن است. برای این مهم اقداماتی صورت گرفته است، اما به رضایت عمومی نخبگان و مؤثرتر شدن خروجی آنان منجر نشده است. شرط اساسی برای رسیدن به همه این عناصر تبدیل شدن «ایران قوی» به «گفتمان غالب» است. استعداد چنین گفتمانی در شخصیت تاریخی ایرانیان موج می زند، اما نیازمند اعتقاد، برنامه ریزی و تلاش مضاعف است.

تشییع میلیونی مقدمه‌ای بر خروج آمریکا از منطقه

وطن امروز: برای تحلیل سخنان مقام معظم رهبری در نماز جمعه تهران پیرامون حضور تعیین‌کننده مردم در تشییع شهید سلیمانی، پیش از هر چیز نیازمند شناخت عواملی هستیم که باعث خطای محاسباتی ترامپ در مسأله ترور آن شهید شد و ما نیز قبل از هر چیز باید به شناسایی سرمنشأهای چنین خطایی بپردازیم. نخستین مورد آنها حوادث چند ماه اخیر کشور عراق بود؛ در جریان اعتراضات مردم عراق که شعارهایی نیز از سوی عده‌ای علیه ایران سر داده شد، دومین مورد اما در ایران و با حوادث آبان‌ماه که بعد از گران شدن نرخ سوخت رخ داد، خود را نمایان کرد. گستره عظیم تخریب‌ها و اعتراضاتی که وجود داشت این ذهنیت را برای دولت آمریکا به وجود آورد که ایرانی‌ها بخشی از مشکلات خود را ناشی از سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی می‌دانند و باز هم در همین مورد شهید سلیمانی به‌عنوان نمادی از این سیاست شناخته می‌شد. سومین مورد اما فراتر از اعتراضات بخشی از مردم در ایران و عراق بود، در این باره برداشت آمریکا این بود که فشار بالای تحریم‌های اقتصادی در چند سال گذشته توانایی مالی اداره یک جنگ را از جمهوری اسلامی گرفته است. در کنار هم قرار دادن این ۳ پیش‌فرض ترامپ و دولت آمریکا را به این خطای محاسباتی رساند که با ترور سردار سلیمانی می‌تواند از موقعیت نامساعد خود در آمریکا که در آستانه استیضاح است دفاع کند و کارنامه بی‌دستاوردهش در عرصه سیاست خارجی را قوت بخشد. این خطای محاسباتی زمانی برای ترامپ آشکار شد که درست بعد از ترور سردار سلیمانی و در حالی که منتظر خوشحالی مردم ایران و عراق بود، با تشییع میلیونی این شهید هم در عراق و هم در ایران مواجه شد. این استقبال از شهید سلیمانی و اعتراضی که نسبت به ترور او رخ داد، باعث شد تمام چیزهایی که ترامپ آورده‌های خود می‌دانست تبدیل به نقطه ضعف‌هایش شود. توصیف جمعیت تشییع‌کننده شهید سلیمانی توسط رهبر معظم انقلاب به سوخت موشک‌های ایرانی و عاملی برای رسوایی آمریکایی‌ها، گویای تعیین‌کنندگی حضور خیابانی مردم در محاسبات جهانی است. در این موقعیت و زمانی که ترامپ متوجه شد محاسباتش در مغفوریت شهید سلیمانی اشتباه بوده است به دنبال رجزخوانی‌های نظامی و تهدیدآمیز رفت تا محاسبات کشورمان را تنظیم کند و ایران را به آن نتیجه برساند که اگر دنبال انتقام باشد هزینه‌های جبران‌ناپذیری روی دستش باقی می‌ماند. در چنین موقعیتی زمانی که ایران با موشک‌باران پایگاه نظامی عین‌الاسد آمریکا واکنش نظامی خود را نشان داد باز هم شاهد اشتباه درآمدن محاسبات ترامپ بودیم و همین باعث عقب‌نشینی او مقابل ما شد.

واکنش نظامی ما در عین‌الاسد که از آن با عنوان سیلی یاد شد و انتقام نهایی خروج آمریکایی‌ها از منطقه اعلام شد، گویای حقیقتی دیگر بود. در چنین موقعیتی، زمانی که با گذشت زمان آمریکایی‌ها شاهد مجموعه‌ای از تهدیدها و واکنش‌های خسارت‌بار شوند هزینه حضورشان چه به صورت نظامی و چه به صورت نیروی انسانی در منطقه بشدت بالا خواهد رفت و این تداوم هزینه‌ها آنها را به سمت خروج هدایت می‌کند. آمریکایی‌ها همیشه حاضر بوده‌اند خسارات نظامی خود را اعلام کنند اما ابا داشتن آنها از اعلام تلفات نیروی انسانی‌شان دقیقاً برای جلوگیری از همین فشار داخلی است. در مصداق خاص عین‌الاسد ما شاهد آن هستیم که همه تلاش‌های رسانه‌ای و امنیتی آمریکایی‌ها معطوف به آن است که تلفات انسانی را کتمان کنند تا از این طریق مانع از بالا رفتن فشارهای عمومی درون خود آمریکا شوند. حال اگر این واکنش‌ها و تلفات بتواند به طور پراکنده ادامه پیدا کند، فشارهای داخلی نیز نسبت به حضور در عراق بالاتر می‌رود.

دو سردار، دو ملت و یک هدف

رسالت: حضور میلیونی ملت عراق در تظاهرات ضد اشغالگری اخیر، مولد دغدغه های بی سابقه ای برای مقامات کاخ سفید بوده است. بدون شک میان حماسه حضور مردمی در تشییع پیکر پاک شهید سپهبد سلیمانی و خلق حماسه ای که دیروز در بغداد شاهد آن بودیم، ارتباط مستقیمی وجود داد: هر دوی این موارد، منبعث از «گفتمان مقاومت» و در عین حال مولد «خیزش ضد آمریکایی» در منطقه غرب آسیا هستند. بدون شک تظاهرات دیروز در عراق، حکم یک «نقطه گذار» را در معادلات داخلی و منطقه ای این کشور و منطقه را خواهد داشت. جهت تمرکز دقیق بر مختصات این نقطه گذار و ترسیم ابعاد آن، لازم است موارد زیر را مورد توجه قرار دهیم: «هزینه و فایده» روشی نظام مند برای تخمین زدن نقاط قوت و ضعف آلترناتیوهای است که کنش ها و معاملات یک فرد یا ساختار به دنبال دارد. دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده و مایک پمپئو وزیر امور خارجه وی، هر دو در روز نخست شهادت سردار سپهبد قاسم سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس مدعی شدند که دستور ترور این دو سردار رشید اسلام را بر اساس یک «هزینه - فایده» واقع بینانه صادر کرده و در خصوص مدیریت تبعات این موضوع، توانا و مسلط هستند! با این حال طی روزهای اخیر، مقامات آمریکایی دیگر تمایلی ندارند نسبت به «هزینه» و «فایده» این ماجرا سخنی به میان آورند.

تماس تلفنی بی حاصل مایک پمپئو با ۲۷ وزیر امور خارجه دنیا: (به صورت رسمی و غیر رسمی) در طی ۴۸ ساعت نخست شهادت شهید سلیمانی و شهید مهندس، نشان از واقعیتی دارد که ترامپ و اعضای ارشد دولت وی قدرت تحریف یا فرار از آن را نخواهند داشت! در این خصوص شواهد و مستنداتی وجود دارد که لازم است مورد توجه قرار گیرد: * بر خلاف محاسبه اولیه کاخ سفید، وزرای امور خارجه روسیه، چین و حتی فرانسه (به عنوان یکی از شرکای آمریکا) حاضر به پذیرش استدلال آمریکا مبنی بر توجیه ترور سردار سلیمانی در قالب «حمله پیش دستانه» نشده اند.

* بر خلاف محاسبه اولیه کاخ سفید، عراق به جای آنکه به جولانگاه معدود عناصر خودفروخته و خرسند از ماجرای شهادت سردار دلها تبدیل شود، به بستری برای ابراز خشم مقدس و گسترده ملت عراق نسبت به جنایت آمریکا تبدیل شد. بهتر است پمپئو تنها فیلم رقص چند دهه عراقی (که در توئیتر خود قرار داده بود) را در کنار هزاران فیلم مربوط به تشییع با شکوه سردار سلیمانی در کاظمین، بغداد و نجف و کربلا و متعاقبا تظاهرات میلیونی و بی سابقه دیروز بگذارد تا متوجه خودزنی و حشمتناک و جبران ناپذیر خود و مقامات آمریکایی در قبال شهادت سردار سلیمانی و شهید ابومهندس المهندس بشود. * برخلاف تصور و محاسبه اولیه کاخ سفید، نه تنها خون پاک دو سردار شهید منجر به تقویت جایگاه حامیان آمریکا در منطقه نشد، بلکه به صورتی اعجاب انگیز، به عاملی کلیدی جهت «مطالبه خروج فوری آمریکا از منطقه» تبدیل شد. هر ساعتی که سپری می شود، مقامات آمریکایی متوجه می شوند که با یک «معادله یک طرفه» رو به رو هستند! معادله ای که در آن خبری از «فایده» برای آنها نیست. آنچه در این برهه و البته در آینده اصالت و موضوعیت دارد، تنها و تنها «هزینه» است. هزینه ای که نه تنها کاخ سفید و پنتاگون، بلکه متحدان و مهره های بین المللی و منطقه ای ایالات متحده نیز قدرت پرداخت آن را نخواهند داشت. در هر حال دیگر فرصتی برای هزینه و فایده یا جبران حماقت و جنایت مستاجر فعلی کاخ سفید باقی نمانده است! توفانی که ترامپ آثار و پیش درآمدهای آن را به تازگی و طی روزهای اخیر درک کرده است، با سرعتی فوق العاده به سوی کاخ سفید در حرکت است. بدون شک، این بار کسی نمی تواند جلوی توفان را بگیرد: نه سفیر سوئیس در تهران و نه واسطه گران عربی و اروپایی مورد حمایت آمریکا! به

پمپئو باید حق داد که پس از مشاهده توفان حمایت از مقاومت در ایران و عراق، این وزیر قاتل و مستاصل آمریکایی در کسوت یک روانپزش گوشی تلفن را برداشته و دیپلماسی التماسی برای جلوگیری از تبلور خشم ایران را در دستور کار خود قرار دهد. در این میان، دیگر خشم و لبخند مقامات آمریکایی محلی از اعراب ندارد. ملت‌های ایران و عراق چشمان خود را بر روی کاخ سفید بسته و تنها منتظر لحظه خروج یا اخراج آمریکا از منطقه هستند. انتقام مقدس و سختی که محاسبه و حتی تصور آن، از عهده اتاق‌های فکر و مؤسسات تحقیقاتی وابسته به کاخ سفید خارج شده است. بهتر است ترامپ و همراهانش یک حقیقت را بدانند: دو فرمانده شهید، یعنی شهید سلیمانی و شهید المهندس دوباره دستور حمله صادر کرده‌اند. پدافندهای مهم‌تر را دریابیم.

اعتراف جدید پنتاگون: ۳۴ نظامی آمریکایی دچار صدمات مغزی شده‌اند

کیهان: سخنگوی وزارت دفاع آمریکا در یک نشست خبری تأیید کرد که تاکنون ۳۴ نفر از نظامیان آمریکایی که طی حمله موشکی ایران به پایگاه نظامی عین‌الاسد در عراق دچار صدمات مغزی شده‌اند، تحت درمان قرار گرفته و بعضاً به خارج از عراق منتقل شده‌اند. این مقام آمریکایی در خصوص آخرین آمار مجروحان حمله موشکی ایران به عین‌الاسد گفت: «تاکنون بروز صدمات مغزی خفیف یا شدید در ۳۴ نفر از سربازان تشخیص داده شده است. ۸ نفر از آنها به آلمان اعزام شده و امروز نیز برای ادامه درمان وارد آمریکا شده‌اند؛ ۹ نفر به آلمان اعزام شده و هنوز در آنجا تحت ارزیابی یا درمان هستند؛ یک نفر به کویت اعزام شده که اکنون به عراق بازگشته است و ۱۶ نفر از آنها نیز در همان عراق باقی ماندند و اکنون به محل خدمت خود بازگشته‌اند.» پنتاگون پس از چند روز پنهان‌کاری درباره آمار تلفات حمله موشکی ایران به پایگاه عین‌الاسد، به تازگی اعلام کرده بود که ۱۱ نفر از نیروهای آمریکایی بر اثر این حمله موشکی دچار ضربه مغزی خفیف (concussion) شده‌اند و حتی دونالد ترامپ این آسیب‌دیدگی‌ها را تا حد «سردرد» تقلیل داده بود. اما اینک پنتاگون نه تنها آمار مجروحان را افزایش داده، بلکه پذیرفته است که ضربه مغزی وارد شده به برخی نیروهای آمریکایی، خفیف نبوده است. در پی این موشکی سپاه پاسداران رئیس‌جمهور آمریکا مدعی شد که هیچ‌یک از نظامیان این کشور در پایگاه عین‌الاسد آسیب ندیده‌اند و صرفاً خسارات جزئی به تجهیزات وارد شده است؛ ادعایی که در روزهای بعد پوچ بودن آن با افشاکاری رسانه‌ها مشخص شد و مقامات آمریکایی مجبور شدند به صورت قطره‌چکانی آمار تلفات پایگاه عین‌الاسد را اعلام کنند.

